

یونان باستان ← سقراط و افلاطون و ارسطو

قرون وسطی تا ابتدای رنسانس

دوره در تاریخ فلسفه

فلسفه در جهان اسلام ← فارابی، ابن سینا، شیخ اشراق و علامه صدر

دوران جدید بعد از رنسانس در اروپا ← فرانس بیکن، دکارت، کانت، هگل  
از قرن ۱۶ آغاز می شود - خروج تدریجی اروپا از حاکمیت کلیسا

گسترش علوم تجربی

معرفت شناسی در دوره یونان باستان

✓ در این دوره معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود اما ← درباره معرفت انسان نظر داده اند  
لکه مثلاً شناخت و میزان الطبیقات با واقعیت مورد توجه بود

✓ در این دوره به شناخت حسی اهمیت داده اند ← توجه کمتر به معرفت عقلی بوده

✓ هر اکتیویست ← هم شناخت حسی و هم شناخت عقلی را اهمیت می داد  
لکه می گفت: شناخت حسی اعتبار دارد ← برای درک حرکت در جهان

✓ پارمینیس ← حواس اعتبار ندارد ← به دلیل خطایندری  
لکه پس حرکت وجود ندارد و همه اشیاء در ثبات و پایداری هستند

✓ سوفسطائیان ← امکان شناخت وجود ندارد ← دلیل آن ← اختلاف نظر ها و مشاطات  
لکه ایشان به حقیقت نمی رسد ← نه با حس و نه با عقل

لکه حس کردن به معنی خبر از عالم بیرون نیست ← انسان چیزی جز احساس ندارد  
لکه پروتاگوراس ← حقیقت نسبی است ← حقیقت همان درک حواس است

لکه حتی اگر درک انسان متفاوت باشند  
لکه حقیقت یکسان نیست و نیست به درکس متفاوت است  
لکه درک انسان از اشیاء می تواند در یک زمان متفاوت باشد

✓ ارسطو ← برای روشن مناسب برای رسیدن به شناخت حقیقی و گریز از خطا

لکه تدریس علم سطوح ← آموزش قواعد استدلال

لکه شیوه مصون ماندن از خطا و مغالطه

✓ اقلطون ← شناخت عقلی مطمئن تر از شناخت حسی است  
 ← مدرکات عقلی (اموری که عقل درک می کند) ← با ارزش ترند  
 ← باور به توانایی عقل برای اثبات عالم مثل ← جهانی برتر از جهان طبیعت  
 ← جهان طبیعت بسایه آن عالم است  
 ← باور به شهود قلبی ← معتقد بود که سقراط عالم مثل را مشاهده کرده است

✓ ارسطو ← ادراک حسی ← معتبر  
 ← استدلال کردن ← عقلی است  
 ← عقل می تواند امور ماورای حسی را اثبات کردن ← می پردن و اثبات کردن

### نظر فیلسوفان مسلمان

ابن سینا و فارابی ← درک حسی و عقلی هر دو معتبر است  
 ← دادن اعتبار خاص به معرفت شهودی (وحیانی) ← مختص به پیامبران  
 معرفت شهودی را نیم نگاه داشتند ← بدون استفاده از آن در تبیین فلسفی  
 معرفت شهودی را دقیق تر وضع می دهد ← بدون بیان ارتباط آن با استدلال فلسفی

سهروردی (شیخ اشراق) ← هم شخصیت فلسفی است و هم شخصیت عرفانی

← تاکید او بر معرفت شهودی است  
 ← او هم از طریق اشراق و الهامات شهودی به سمت آورده بود را  
 تبیین استدلالی کرد و نظام فلسفی خود را بر مبنای شهود بنا کرد  
 ← مطالعه کتب بدون سیر سلوک عرفانی ← به جایی نمی رسد ← اشتباه کرده  
 عرفان بدون استدلال عقلی ← ناقص است

← فیلسوف عقلانی بدون سیر و سلوک شهودی ← تجربه نکردن اسرار الهی به صورت مستقیم و بی واسطه  
 ← ناقص است

### فلسفۀ قرآن ۱۱ هجری

تکلیف کننده راه شیخ اشراق ← کنار هم گذاشتن معرفت شهودی با معرفت عقلی

بنابراین یک بنای مستقیم فلسفی ← هم هویت فلسفی دارد (عقلی و استدلالی)

هم از شهود و اشراق بهره مند است ← هم از شهود و اشراق بهره مند است

لیونیز مستقیم بین فلسفه و وحی قرآنی برقرار کرد ← لیونیز مستقیم بین فلسفه و وحی قرآنی برقرار کرد

اینست اینکه داده های فلسفی و استدلال عقلی و معارف قدرتی تعارض وجود ندارد ← عقول و وحی با هم تطبیق دارند

عقل و وحی با هم تطبیق دارند ← عقول و وحی با هم تطبیق دارند

ادوی گوید ← افسوس به حال فلسفه ای که با کتاب دست منطبق نباشد

عموم فیلسوفان مسلمان ← هر دو معرفت حسی و عقلی را معتبر می دانند  
شهود عرفانی و معرفت و حیاتی را هم قبول دارند

بیشتر های فلسفی ملامت را ← پیوند عقل - کشف (شهود) و شرع

راه کشف حقایق الیهات ← ۱- مقدمات یرهانی

۲- مطالب کشفی (شهودی)

۳- مواد قطعی (قرآن و حدیث)

رشته نظری ملامت را ← در آثار فارابی، ابن سینا، شیخ اشراق و خواجۀ نصیر طوسی هست

نکته: معرفت فلسفی بر استدلال عقلی متکی است و بدون آن فلسفه معنی ندارد

۲- صرفاً با تجربه و شهود قلبی یا وحی نمی توان به معرفت فلسفی رسید

نظری فلاسفه اروپایی در مورد ابزارهای شناخت و اقسام معرفت

تجربه گرایان ← پیشگام آنان ← فرانسس بیکن ← بر اجالت تجربه اصرار می ورزید

لے دلیل عقبت مانندگی و محصور شدن علوم تجربی

در حرافات و تعقبات بیجا

لے دنباله روی فلاسفه از ارسطو

لے پس از بیکن ← جان لاک

لے قرن ۱۷ در انگلیس

و تکیه استدلال عقلی

لے تکیه بر تجربه گرایان

لے دلیل این تکیه ← عقب ماندگی علوم در قرون وسطی

لے شده این تکیه ← توسعه دانشمندان و پژوهشگران

به علوم تجربی

لے زمینه سازی برای پیشرفت های علمی

۲- عقل گرایان ← پیشگام همه ← دکارت ← فیلسوف و ریاضی دان فرانسوی

لے عقل انسان معرفت های غیر تجربی به صورت ذاتی

لے مانند نفس مجرد و خدا

لے انسان برای معرفت نفس و خدا به حس و تجربه نیاز ندارد

لے او مخالف علوم تجربی و تجربه نبود ← در پیشرفت

علم در اروپا نقش داشت

آنچه دکارت را از تجربه گرایان جدا می کند قبول گزاره ها و قواعد عقلی است

لے آن گزاره های عقلی که فقط منطقی بر استدلال عقلی است را تأیید کردند

۳- همراهی و همکاری عقل و حس ← نظر کانت است ← در قرن ۱۸

لے معرفت حاصل همکاری عقل و حس است

کانت ← تصورات زمان و مکان و مفاهیم علیت در قوه ادراکی انسان هست

لے این تصورات از طریق حس و تجربه بدست نمی آید (عقلی است)

لے درک محسوسات در قالب مفاهیم عقلی مانند علیت و... امکان پذیر است

لے انسان با کمک اصل علیت بین پدیده های عالم رابطه برقرار می کند



#### ۴- اثبات گرایان (پوزیتیویسم) ← شاید در مقابل عقل گرایان موضع گرفتند

↓  
عهده ای از تجربه گرایی  
بودند بابت ایده جدید  
↓  
نظاره های تجربه ناپذیر بی معنا هستند

مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح ← قابل بررسی علمی نیستند ← تجربه نمی تواند در رد یا اثبات آن نظر دهد  
آگوست کنت ← فرانسوی ← اولین بار از واژه پوزیتیویسم استفاده کرد  
قرن ۱۹

#### ۵- نسبی گرایی ← نسبی گرایی از داخل تجربه گرایی ظهور کرد

← امکان رسیدن به معرفت بلیسان درباره یک چیز وجود ندارد  
← زمین پیدایش ← محدودیت های روش تجربی و محدودیت ابزارهای حسی  
← ناتوانی در پاسخ گویی به سوالات مهم در مورد نیازی به  
مبداء خدا و اخلا، نظر در مورد عوالم غیر از عالم طبیعت  
← ناتوانی روش تجربی در دست یابی به همه خصوصیات اشیاء  
و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی  
تفاوت میان تجربه اشعار ← ازین بدون قطعیت  
در علوم و احکام تجربی

#### یاورهای نسبی گرایی

← شناخت افراد با توجه ویژگی های افراد متفاوت است  
← شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد  
← هیچ شناختی مطلق نیست  
← هر کس فقط می تواند فهم و درک خود را نسبت به یک چیز بیان کند  
← ممکن است اشعار در یک مورد به شناخت بلیسان برسند اما  
این موضوع خلی در نسبی بودن شناخت ایجاد نمی کند

← باورهای مخالف ← اشعار در بسیاری موارد به شناخت بلیسان می رسند و در برخی موارد نه  
آنان ← شناخت اشائی نسبی است اما نه در همه ی معرفت ها

۶- پراگماتیسیم ← اصالت عمل یا مصلحت عمل

← باورها  
← واقعیت اشیاء را نمی‌توان با تجربه شناخت.  
← نباید هدف کشف واقعیت باشد  
← ما نیازمند باورهای مفید و سودمند هستیم  
← ملاک درست بودن یک شناخت مفید بودن آن است  
← ارزش شناخت جوئیدن آب در ۱۰۰ درجه است که انسان از آن بهره‌ر  
کند و به سوختگی دچار نشود (مفید بودن در عمل)

چند نکته  
← ۱- در قرن بیستم در اروپا و آمریکا تجربه‌گرایی در قالبی جدید پدید آمده است اما در اینجا  
نخلة با عقل‌گرایی است  
← ۲- ویلیام جیمز و پراگسون، تجربه‌گرا هستند اما به شهرد عرفانی و تجربه‌دینی  
معتقدند و بُعد معنوی انسان را اهمیت می‌دهند.

مای دارس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)